

نورخوزستان

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی صبح خوزستان

مسئله‌ای که امروز در برابر واشنگتن قرار دارد فقط باز کردن یک تنگه نیست؛ بلکه پذیرش این واقعیت است که قدرت نظامی آمریکا نتوانسته ایران را از اعمال نفوذ بر محیط پیرامونی خود خارج کند و ادامه فشار، هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را به طرف آمریکایی منتقل کرده است

باشگاه خبرنگاران جوان: «تنگه هرمز بسته است.

تسلط ما بر حرکات کامل و قاطع است. هیچ تحرکی در این تنگه از چشم رزمندگان نیروی دریایی سپاه دور نمی‌ماند.» این جملات دریادار علی عظمایی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، انقلاب اسلامی، پاسخی مستقیم به ادعای دونالد ترامپ درباره در اختیار داشتن «کنترل کامل» تنگه هرمز است؛ ادعایی که طی روزهای گذشته بارها از سوی رئیس‌جمهور آمریکا تکرار شده است. عظمایی در ادامه تأکید کرد: «واقعیت را باید در میدان دید نه در اطلاعاتیه‌ها و اظهارات مقامات امریکای».

ترامپ روز چهارشنبه بار دیگر مدعی شد آمریکا کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار دارد و محاصره دریایی این کشور را «دیوار فولادی» خواند و مدعی شد ایران در برابر آن کاری نمی‌تواند انجام دهد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی گزارش‌های رسانه‌ای در آمریکا درباره وضعیت تردد کشتی‌ها با روایت کاخ سفید همخوان نیست و داده‌های کشتیرانی، برخلاف ادعای باز بودن و کنترل کامل تنگه، از تداوم اختلال جدی در عبور و مرور حکایت دارد.

در همین چارچوب، محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نیز با تأکید بر شروط ایران برای پایان وضعیت موجود اعلام کرد: «پیام ایران واضح است: تنگه هرمز تا زمانی که ایالات متحده جنگ و محاصره را پایان دهد، دارایی‌های منجمد شده ایران را آزاد کند و به آتش‌بس منطقه‌ای، از جمله در لبنان و غزه، توافق کند. بازگشایی نخواهد شد. تا زمانی که همه شرایط برآورده نشود، تنگه بسته باقی خواهد ماند».

در تازه‌ترین تحول، آژانس عملیات تجارت دریایی بریتانیا از اصابت یک پهپاد به یک نفتکش هنگام خروج از تنگه خبر داده و اعلام کرده است کشتی دچار خسارت جزئی شده است. هم‌زمان شرکت ملی نفت ابوظبی نیز از هدف قرار گرفتن دو نفتکش خود در آبراه خبر داده است. مجموعه این حوادث نشان می‌دهد فاصله میان ادعای «کنترل کامل» واشنگتن و واقعیت عملیاتی حاکم بر هرمز همچنان قابل توجه است.

اما مسئله تنها به اختلال در کشتیرانی محدود نمی‌شود. محاصره طولانی‌مدت ایران، هزینه‌هایی برای خود آمریکا نیز به همراه داشته است؛ از فشار بر بازار انرژی و نگرانی درباره قیمت نفت گرفته تا هزینه‌های سنگین استعمار حضور نظامی. نمونه قابل توجه، ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» است که پس از ماه‌ها استقرار پیوسته در دریا، با گزارش‌هایی درباره فرسودگی تجهیزات و فشارهای جسمی و روانی بر خدمه مواجه شده است؛ موضوعی که حتی شماری از نمایندگان کنگره آمریکا را به طرح پرسش درباره ضرورت و پیامدهای ادامه این مأموریت واداشته است.

در واقع، آنچه امروز در هرمز جریان دارد، بیش از آنکه رقابت بر سر «روایت» باشد، آزمونی برای قدرت واقعی دو طرف است. تهران با اتکا به توانمندی نیروی دریایی سپاه،

صاحب امتیاز: سیدمحمدطاهر موسوی زاده / مدیرمسئول و سردبیر: حسین حسین نژادیان / دبیرصفحات: محمد کاظم حاج سردار

نشانی : اهواز ، امانیه، خیابان انقلاب، بین سقراط و دزکوجه رشیدی پلاک ۸- مجتمع مطبوعاتی نور
تلفن : ۴-۳۳۳۶۳۶۹۳ و ۰۲-۳۳۱۰۳۳۳۰

نمایر: ۰۲۳۳۶۳۶۹۱/کدپستی: ۶۱۳۳۸۶۳۴۴ / واتس‌اپ: ۰۹۳۷۳۲۹۳۵۶۹

آیین نامه اخلاق حرفه ای: آیین_نامه_اخلاق_حرفه‌ای/ www.NoorDaily.ir/
لینوگرافی و چاپ: نشر فرهنگ اهواز

نور خوزستان آنلاین: www.NoorDaily.ir.
روابط عمومی: NoorDaily@yahoo.com

میدان هر مز خلاف روایت ترامپ



می‌تواند محاسبات اقتصادی یک سفر دریایی را تغییر دهد.

این همان نقطه‌ای است که برتری تجهیزات نظامی آمریکا لزوماً به برتری عملیاتی تبدیل نمی‌شود. آمریکا می‌تواند ناو هواپیمابر، جنگنده و ناوشکن در منطقه مستقر کند، اما اگر کشتی‌های تجاری حاضر نباشند از مسیر تحت حفاظت آن عبور کنند، ادعای «کنترل کامل» در عمل با یک علامت سؤال بزرگ مواجه می‌شود. حتی یک تحلیل منتشرشده در مجله معتبر Proceedings متعلق به مؤسسه نیروی دریایی آمریکا، با اشاره به تجربه بحران هرمز، تصریح می‌کند که جغرافیا و موقعیت ایران باعث شده «کنترل» این آبراه مفهومی چندلایه باشد و واشنگتن هزینه‌ای که واشنگتن برای حفظ حضور گسترده نظامی ناگزیر شود با واقعیت نقش ایران در مدیریت تنگه کنار بیاید.از این منظر، اقدام ایران را می‌توان نوعی بازدارندگی نامتعارف دانست: تهران هزینه‌ای به مراتب کمتر از هزینه‌ای که واشنگتن برای حفظ حضور گسترده نظامی خود متحمل می‌شود، به طرف مقابل تحمیل می‌کند. نتیجه

نیز تنها در میدان نظامی دیده نمی‌شود. افزایش ریسک عبور، هزینه بیمه را بالا برده و زنجیره حمل‌ونقل جهانی را تحت فشار قرار داده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده درباره بازار بیمه دریایی، نرخ بیمه ریسک جنگ برای عبور از هرمز به مراتب بالاتر از سطح پیش از جنگ رسیده است؛ به این معنا که حتی بدون شلیک مستقیم به یک کشتی، هزینه اقتصادی سیاست آمریکا و بحران هرمز به شرکت‌های حمل‌ونقل و در نهایت مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود.

محاصره‌ای که برای واشنگتن هم هزینه دارد

این وضعیت یک تناقض اساسی برای دولت ترامپ ایجاد کرده است. واشنگتن می‌خواهد با محاصره اقتصادی و دریایی، ایران را تحت فشار قرار دهد؛ اما هرچه این محاصره طولانی‌تر شود، هزینه‌های آن از مرز ایران عبور کرده و به اقتصاد جهانی و خود آمریکا بازمی‌گردد. هاباگ-لوید، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های کشتیرانی جهان، اعلام کرده اختلال ناشی از بحران هرمز در سه‌ماهه دوم حدود ۶۰۰ میلیون دلار برای این شرکت هزینه داشته است. افزایش هزینه سوخت، بیمه، انبارداری و تغییر مسیر، بخشی از این فشار را تشکیل می‌دهد.

نزدیکی آمریکای لاتین به تل آویو؛ میان‌بر یا قمار پرهزینه؟

اکنون د لا اسبریرا از افزایش تلاش‌ها برای مقابله با «نارکوتروریست‌ها» سخن گفته و احتمالاً به دنبال جلب حمایت صهیونیست است و به‌ویژه آمریکایی‌ها خواهد بود.

مایک لاسوساروزنامه‌نگار حوزه جرائم سازمان یافته در آمریکای لاتین، تأکید کرد که به‌رسمیت شناختن بلندی‌های جولان توسط د لا اسبریرا هرچند مهم است، اما در عمل بیشتر بازگشت به روندی قدیمی از حمایت به‌شمار می‌آید تا نشانه‌ای از تغییر اساسی.

بر اساس این گزارش، در کشورهایی مانند کلمبیا، شیلی یا آرژانتین، چرخش به سوی رژیم صهیونیستی تا حد زیادی

نتیجه به قدرت رسیدن دولت‌های راست‌گراست. اما چرخش ونزوئلا غافلگیرکننده‌تر است.

چاووزرئیس‌جمهوری فقید ونزوئلا در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳ گفت: درگیری اسرائیل و فلسطین یکی از موضوعات محوری در جنبش‌های ضد امپریالیستی است. اگر چیزی باشد که در طول این سال‌ها در چاوویسم باقی مانده، همان ضد امپریالیسم است. بنابراین، اینکه ونزوئلا درست در زمانی که اسرائیل بیش از هر دوره دیگری در تاریخ آن از سطح جهان زیر سوال رفته، دوباره روابط کنسولی با اسرائیل برقرار کند، اتفاق بسیار مهمی است.

سمدلی‌امدادرسانای ادعایی رژیم صهیونیستی پس از زلزله اخیر در ونزوئلا را محرک فوری این چرخش دانست و آن را «دیپلماسی فاجعه» خواند.

با این حال، کارشناسانی که ریسپانسیبیل استیت‌کرفت یا آنها مصاحبه داشته، بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند که مهم‌ترین عامل، وابستگی سنگین کاراکاس به واشنگتن پس از بر کناری مادورو است.

تاویل کوری تأکید کرد: این سبک حکمرانی تفاوت بنیادینی دارد؛ از یک‌سو تحت فشار دائمی برای همکاری با واشنگتن است و از سوی دیگر، ناچار است برای حفظ پایگاه داخلی خود، همچنان به روایت چاوویستی متکی باشد. لاسوسا این اقدام را یک «رهاکار کم‌هزینه و پربازده» توصیف کرد؛ رویکردی که از طریق آندلسی رودریگس‌رئیس‌جمهوری موقت ونزوئلا، می‌تواند هم‌زمان با از سرگیری روابط با رژیم اسرائیل، «روابط خود با ایالات متحده را در سایر پرونده‌های کلیدی تسهیل کند»؛ روندی که در نهایت به تقویت جایگاه او در برابر اپوزیسیون داخلی کمک خواهد کرد.بر اساس این گزارش، رشد مسیحیت انجیلی در آمریکای لاتینبیز عامل دیگری است. در کشورهای آمریکای مرکزی مانند هندوراس و گواتمالا، مسیحیان انجیلی عمدتاً صهیونیسم مسیحی را می‌پذیرند. هر ۲ کشور در دهه گذشته سفارت‌های خود را تل آویو به قدس اشغالی منتقل کردند.

گفتمان صهیونیسم مسیحی در فضای سیاسی آمریکای لاتین بیش از پیش گسترش یافته است، به‌ویژه در میان سران محافظه‌کاری که در دهه گذشته قدرت گرفته‌اند؛ مانندخاویر میلی، رئیس‌جمهوری آرژانتین، یازائیر بولسونارو،

اذان صبح فردا: ۰۴:۱۷ طلوع: ۰۵:۴۳ اذان ظهر: ۱۲:۱۹ غروب آفتاب: ۱۸:۵۶ اذان مغرب: ۱۹:۱۴ نیمه شب: ۲۳:۳۶					
بهبان	۷-دقیقه	ماه‌شهر، بندرامام	۱۱/۵-دقیقه	خوش‌و و جزیره مینو	۲+دقیقه
ایذه	۴-دقیقه	رامشیر، نفت سفید	۲-دقیقه	بستان	۲/۵+دقیقه
بافعلک، هندیجان، هشتکل، امیدیه، آغااجاری	۵/۵-دقیقه	لالی	۱/۵-دقیقه	هويزه، آنديشک، دزفول	۲+دقیقه
رامهرمز، اندیکا	۳-دقیقه	شوش، شازگان	۱-دقیقه	شوش دانيال آبادان، سوسنگرد	۱/۵+دقیقه
مسجدسليمان	۵/۵-دقیقه	گتوند، ملاکانی	۵/-دقیقه	حمیدیه، سردشت دزفول	۵+دقیقه

سی‌ان‌ان بررسی کرد:

عقب نشینی گام‌به‌گام واشنگتن

از اهداف جنگ علیه ایران



تارنمای شبکه خبری سی‌ان‌ان در تحلیل مصاحبه اخیر معاون رئیس‌جمهوری آمریکا نوشت که به نظر می‌رسد تغییر و تطبیف اهداف دولت ترامپ در جنگ با ایران نشان دهنده دستاورد ناچیز واشنگتن در این درگیری است.

به گزارش ایرنا، این رسانه نزدیک به دموکرات‌ها نوشت که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دولت آمریکا در خروج از جنگ علیه ایران، فهرست اهداف بسیار مطلق‌گرایانه‌ای است که دونالد ترامپ و تیم وی ارائه داده‌اند.

این اهداف شامل تسلیم کامل حکومت ایران و تغییر آن، عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و خاتمه حمایت تهران از گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بوده است.

با طولانی شدن جنگ که اکنون در ششمین ماه خود قرار دارد، این فهرست اهداف به طرز چشمگیری تغییر کرده و کاهش یافته است. اکنون به نظر می‌رسد جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور، این اهداف را به تازگی و به شیوه‌ای قابل توجه کاهش داده که این امر نشان دهنده آن است که دولت ممکن است به اهدافی کمتر و حتی بسیار کمتر رضایت دهد.

ونس در مصاحبه پنجشنبه (۲۲ خرداد) در پاسخ به پرسش خبرنگار فاکس نیوز در مورد آنکه جنگ جاری چگونه پایان خواهد یافت، ۲ هدف رامطرح کرد و گفت: هدف شماره یک آن است که نفت و گاز را برای آمریکایی‌ها در سراسر کشور ارزان نگه داریم. هدف شماره ۲ این است که اطمینان حاصل شود ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نمی‌یابد.

به سلاح هسته‌ای دست نمی‌یابد.
دولت نبوده و اولویت بندی مورد نظر ونس، قابل توجه است.

دولت آمریکا تقریباً همیشه عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را به عنوان نگرانی اصلی توصیف کرده است.

سی‌ان‌ان با اشاره به تغییر اهداف واشنگتن در طول جنگ با ایران نوشت: در گذشته در فهرست‌اهداف دولت ترامپ از جنگ با ایران پایان دادن به تأمین مالی گروه‌های نیابتی دیده می‌شد، در حالی که در برخی فهرست‌های دیگر چنین چیزی مطرح نبود. برخی از فهرست‌ها به نابودی زیرساخت‌های موشکی ایران اشاره کردند، در حالی که برخی دیگر آن را حذف کرده بودند. برخی به خلاص شدن از شر نیروی هوایی و دریایی ایران اشاره کردند، اما برخی دیگر فقط به نیروی دریایی اشاره کرده بودند.

اما نکته کلیدی اینجاست که در هیچ یک از این فهرست‌ها پایین نگه داشتن قیمت نفت و گاز در در آمریکا درج نشده بود و با توجه به اینکه تنگه هرمز بیش از آغاز جنگ باز بود، این هدف خاص را می‌توان به عنوان بازگشت به وضعیت قبل از وقوع جنگ تعبیر کرد و خلع سلاح هسته‌ای تنها هدفی است که نشان دهنده یک دستاورد جدید است.

در واقع، تأکید جدید برخی در دولت بر قیمت پایین بنزین، جدیدترین نشانه از تقلیل اهداف برای آماده شدن برای خاتمه جنگی است که با اهداف اولیه ترامپ فاصله زیادی دارد.

تا ماه مه(اردیبهشت)، مشخص شد که دولت دیگر قصد ندارد بر اهداف خاصی تأکید کند.

تا ماه ژوئن، دولت ترامپ تفاهم‌نامه‌ای را با ایران امضا کرد که به ندرت به اهداف اصلی آمریکا اشاره می‌کرد.

در بیش از دو ماه گذشته نیز به نظر می‌رسد که شاید ترامپ در مواضع خود خواسته‌های هسته‌ای را کاهش داده است.

در حالی که دولت پیش از این بر تحویل اورانیوم غنی‌شده ایران تأکید داشت، ترامپ دم از آن زده که آسیب وارد شده به برنامه هسته‌ای ایران آنچنان بوده که مواد هسته‌ای در اعماق زمین دفن شده و دسترسی به آنها غیرممکن است. وی همچنین در مورد نحوه نظارت فضایی دولت آمریکا برای اطمینان یافتن از عدم تلاش ایران برای بازایی این مواد صحبت کرده است.

او حتی ادعا کرده است که ایران خلع سلاح هسته‌ای شده است.

به عبارت دیگر، ترامپ به کسی می‌ماند که می‌داند شاید نتوان ایران را وادار به پذیرش یک توافق هسته‌ای محدودکننده کرد.

اظهار نظر مقام‌های دولت او در مورد قیمت انرژی به عنوان «هدف شماره یک» کاملاً با عقب نشینی از اهداف سخت و سریعی که دولت تعیین کرده بود، مطابقت دارد.

اگر در حال حاضر بازگشت به وضعیت پیش از جنگ واقعاً «هدف شماره یک» باشد، این خود گویای دستاورد اندک آمریکا در این جنگ است.